

# **Pathology of the Policy-Making Cycle of Women's Affairs in the Islamic Republic of Iran**

**Ruhollah Eslami**

Corresponding Author, Assistant Professor of Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Eslami.r@um.ac.ir

**Fatemeh Mosayebi**

Master of Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.  
Fa.mosayebi@um.ac.ir

## **Abstract**

In the Islamic Republic of Iran, the issue of women is important due to the organization of the family and the philosophy of Shiite jurisprudence based on the priority of the presence of women in the private sphere. The question of this article is about drawing the policy-making cycle of women's affairs and the institutions in charge of designing and implementing women's affairs. In the research, the theoretical framework of system analysis with separation of components including inputs, designs, details and evaluation and feedback has been used. In order to collect information, the method of institutionalism and the output of the report of the official institutions in charge of women's issues have been used. Research results show that In addition to traditional institutions and demands, there are modern institutions and demands in Iranian society that sometimes form a zero-sum game to prioritize the political system. As a result, women's affairs policy-making in the field of design faces an incompatible and conflicting dichotomy. In the field of implementation, there is an insufficient budget and in the output, the fields of society and culture, especially in education and health, have had acceptable performance. Also, in the field of economics, there has been little growth and in politics, the weakest results have been achieved.

**Keywords:** Women's Affairs, Policy-Making, System, Input Priority, Islamic Republic of Iran

# آسیب‌شناسی چرخه‌ی سیاست‌گذاری امور زنان در جمهوری اسلامی ایران<sup>۱</sup>

روح‌الله اسلامی

نویسنده مسئول، استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران Eslami.r@um.ac.ir

فاطمه مصیبی

کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران Fa.mosayebi@um.ac.ir

## چکیده

در جمهوری اسلامی ایران موضوع زنان باتوجه به ساماندهی خانواده و فلسفه فقه شیعه مبتنی بر اولویت حضور زنان در عرصه خصوصی دارای اهمیت است. پرسش این مقاله در مورد ترسیم چرخه سیاست‌گذاری امور زنان و نهادهای متولی طراحی و مجری در امر زنان است. در پژوهش حاضر از چارچوب تئوریک تحلیل سیستمی با تفکیک اجزا شامل ورودی‌ها، طراحی‌ها، جزئیات و ارزیابی و بازخورد استفاده شده است. جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش نهادگرایی و خروجی گزارش نهادهای رسمی متولی در مسائل زنان بهره گرفته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که علاوه بر نهادها و مطالبات سنتی، نهادها و مطالبات مدرن در جامعه ایران وجود دارند که گاهی بازی با حاصل جمع صفر برای اولویت‌دهی سیستم سیاسی را شکل می‌دهند. در نتیجه، سیاست‌گذاری امور زنان در بخش طراحی با دوگانگی غیرقابل جمع و تخصم‌آمیزی روبه‌رو می‌شود. در بخش اجرا، امور زنان با بودجه‌ای ناکافی مواجه شده و در برون‌داد، حوزه‌های اجتماع و فرهنگ به‌ویژه در آموزش و بهداشت عملکرد قابل قبولی داشته‌اند. همچنین در عرصه اقتصاد، رشد اندکی وجود داشته و در سیاست، ضعیف‌ترین نتایج حاصل شده است.

**واژه‌های کلیدی:** امور زنان، سیاست‌گذاری، سیستم، اولویت ورودی، جمهوری اسلامی

ایران

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۱/۲۲ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۳/۱۸ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۳/۲۵

فصلنامه راهبرد، دوره ۳۰، شماره ۹۸، بهار ۱۴۰۰، صص ۱۲۹-۱۵۸

## بیان مسئله

مسائل زنان از امور سیاست‌گذاری است و دولت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته طرح‌هایی در این موضوع اجرا می‌کنند تا بتوانند زنان را وارد عرصه‌ی عمومی کنند. این طرح‌ها با در نظر گرفتن اولویت‌های جامعه و تحت تأثیر فشار وارد شده از سمت جامعه‌ی مدنی توسط حکومت‌ها مورد توجه قرار گرفته و در اولویت ورودی سیستم قرار می‌گیرد. سپس به فرایند طراحی و اجرائیات داخل سیستم و ارزیابی و برون‌دادها در خارج سیستم منجر می‌شود. اگر فرایند آن کارآمد باشد، ادامه می‌یابد و اگر ارزیابی‌ها نشان‌دهنده‌ی ناکارآمدی باشد، متوقف می‌شود. در ایران با آغاز مشروطه زنان توانستند، دغدغه‌های خود را بیان کنند. با روی کار آمدن رضاشاه و آغاز تجدد، زنان توانستند وارد عرصه‌ی عمومی شوند. در دوره‌ی پهلوی دوم برای زنان طبقات بالا و بخشی از زنان طبقه‌ی متوسط جامعه، فضایی فراهم شد تا وارد عرصه عمومی شوند. طبقات پایین و بخصوص زنانی که از روستاها به شهرها آمده بودند، توانایی وفق دادن خود با فرهنگ جدید را نداشتند. در اواخر دهه پنجاه و اوج دوران مبارزات سیاسی علیه رژیم پهلوی، زنان وارد عرصه‌ی عمومی شدند و نقش مؤثری در انقلاب ایفا کردند. در این دوره اعتراض کردند، عضو احزاب شدند، فعالیت‌های سیاسی را در کنار مردان تجربه کردند و در ایجاد مسیری برای تغییر بنیادین، نقش مهمی ایفا کردند. با ایجاد فضای آشوب، جنگ‌های داخلی و پس از آن هشت سال جنگ با عراق، فرهنگی امنیتی و مردسالار حاکم شد. همین امر منجر شد تا زنان تحصیلات و آموزش عالی را به‌عنوان دم‌دست‌ترین گزینه برای وارد شدن به عرصه‌ی عمومی انتخاب

کنند. از طرفی به دلیل سنتی بودن فرهنگ اغلب خانواده‌ها و فضای امنی که در آن مقطع احساس می‌شد، خانواده‌ها برای وارد شدن زنان به حوزه‌ی تحصیل و کار ترغیب شدند و زنان به تدریج توانستند در اغلب رشته‌های دانشگاهی، آمار بالای قبولی را از آن خود کنند. پرسش چنین است که حکومت پس از انقلاب در مقام درون‌دادها، فرایندها و برون‌دادها چه چرخه سیاست‌گذاری را شکل داده و آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری امور زنان در جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟

### پیشینه‌ی پژوهش

تحقیقات در حوزه‌ی زنان را می‌توان در سه دسته کلی زیر تقسیم‌بندی کرد:

**الف) پژوهش‌های سنتی:** در این پژوهش‌ها بر نقش مادری تأکید می‌شود. الگو؛ زنی مسلمان و انقلابی است که مادر یا خانه‌دار است و بنا به ضرورت می‌تواند در بیرون از خانه به کار مشغول شود و در امور اجتماعی که غالباً نقش‌های آموزشی، تربیتی و درمانی هستند، نیز سهیم باشد. این پژوهش‌ها از طریق شریعت و طرح مباحث مختلف زنان با استفاده از احادیث و آیات قرآن تلاش می‌کنند تا حقوق و جایگاه زن در اسلام را استوار سازند. آیت‌الله مطهری در آثار خود سعی کرده تا حقوق زن در اسلام را تکوین کند و با استفاده از آیات قرآن و روایات، معنای تساوی، برابری و تفاوت حقوق زن و مرد را بیان می‌کند. وی نشان می‌دهد که حقوق زنان در اسلام ضایع نشده و مشکلات به دلیل اصل اسلام نیست بلکه خود افراد به‌عنوان مسلمان دچار کاستی‌های رفتاری هستند (مطهری، ۱۳۵۳). جوادی‌آملی نیز با استفاده از آیات قرآنی، طرح مباحث عقلی و نام بردن از زنانی که الگوی دیگر زنان مسلمان هستند، سعی کرده تا مسائل مختلف آنان در جامعه اسلامی را توضیح دهد و در برخی موارد چون قضاوت، زنان را مجاز به فعالیت می‌داند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۲).

**ب) پژوهش‌های مدرن:** در این پژوهش‌ها اندیشه‌های آزادی‌خواه و برابری‌طلب جریان دارند که از لیبرالیسم و مارکسیسم نشأت می‌گیرند و به پست‌مدرنیسم می‌رسند.

۱- لیبرالیسم: این پژوهش‌ها برابری حقوق زن و مرد را محور قرار داده و

تلاش می‌کنند تا فرصت‌های اجتماعی در اختیار زنان قرار گیرد و توانمندی آنان افزایش یابد. آنها معتقدند که خانه‌داری یا نقش مادری نباید مانع حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شود. به‌عنوان مثال فاطمه صادقی با نگاهی فمینیستی، برابری جنسیتی را در بین طبقه متوسط کشورهای مسلمان و ایران بررسی می‌کند (صادقی، ۱۳۹۲). آرزو اوسانلو نیز با سیاست حقوق زنان در ایران به بررسی فهم غیرغربی از معنای لیبرال در ایران معاصر می‌پردازد و سؤالاتی پیرامون سوءبرداشت روابط میان اسلام و مدرنیته مطرح می‌کند (Osanloo, 2009).

۲- مارکسیسم: مارکسیست-فمینیست‌ها علت فرودستی زنان نسبت به مردان را نظام خانوادگی مردسالار، مالکیت خصوصی و تقسیم‌کار بر مبنای جنسیت تلقی می‌کنند و معتقدند باید از طریق انقلاب و از بین بردن نظام سرمایه‌داری بر این فرودستی پایان داد تا از طریق حکومتی کمونیستی، برابری جنسیتی نیز روی دهد. پژوهش‌های مارکسیستی حوزه‌ی مطالعاتی خود را بر طبقات فرودست جامعه و زنان کارگر قرار می‌دهند. آنها معتقدند برای تغییر وضعیت و بهبود شرایط زنان باید انقلاب سوسیالیستی صورت گیرد و انتقاداتی به حزب مارکسیستی خود نیز مطرح می‌کنند تا ستم وارد شده بر زنان را بهبود بخشند (بهرنگ، ۱۳۹۰). برخی از پژوهش‌ها نیز به مسائل زنان از زاویه‌ی پیوند پوپولیسم چپ و پوپولیسم اسلامی و همراهی تشیع با آن در ایران پرداخته‌اند (Moghissi, 2016).

۳- پست‌مدرنیسم: فمینیست‌های پسامدرن با طرح مسائل هویتی سعی دارند تا زنان را از حاشیه به متن وارد کنند. آنها به تفاوت میان انسان‌ها معتقدند و می‌گویند نه تنها زنان و مردان با هم متفاوتند بلکه زنان از طبقه، نژاد، مذهب و ملیت‌های مختلف تجربیات متفاوتی دارند. افسانه نجم‌آبادی با نگاهی نو به مسئله‌ی جنسیت در ایران، مباحث هویتی و تفاوت بین جنسیت زنان و مردان را از طریق پرداختن به نقاشی‌های قدیمی، اشعار، سفرنامه‌ها و... بررسی کرده است (نجم‌آبادی، ۱۳۹۶).

ج) پژوهش‌های روشنفکری دینی: روشنفکران با پیوند دین و مدرنیته فهمی جدید از اسلام ارائه دهند. افرادی چون سروش، کدیور، مجتهدشبه‌ستری، طالقانی و...

سعی کردند با طرح مسائلی نو همچون زنان از نگاه دین، به حل مسائل جدید کمک کنند. سروش، مسئله زنان را یک مبحث جدید می‌داند و معتقد است به دلیل شرایط زمانی و تغییرات جهانی، وقتی بخواهیم درباره حقوق زن بحث کنیم، مجبوریم که سیر تازه‌ای در شریعت داشته باشیم و اندیشه ما با تفسیری که اندیشمندان گذشته از این مسئله داشتند، متفاوت خواهد بود (سروش، ۱۳۸۸) یا در رابطه با مسئله حجاب، معتقدند که پوشش زنان بیش از آن که برآمده از قرآن، سنت پیامبر و سیره ائمه باشد، برگرفته از اجماع مشرعه و فهم مردسالارانه است. اگر حجاب موجب ضررهای بدنی و روحی شود، جایز نیست و آنچه واجب است حفظ نجابت و عرف محلی است و تشخیص آن نیز با خود زنان است (کدیور، ۱۳۹۲).

جدول ۱. پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه‌ی سیاست‌گذاری امور زنان

روش پژوهش	شاخص‌ها	متفکران	امور زنان	سیاست‌گذاری زنان
ستتی	حوزه علمیه، فقه، احکام شرعی	آیت‌الله مطهری، آیت‌الله جوادی آملی	فقه مسائل زنان، تفاوت مرد و زن، تأکید بر نقش مادری	امور خانواده، خانه‌داری و همسری
مدرن	علم و مدرنیته	موج اول: لیبرال موج دوم: سوسیالیست موج سوم: پسامدرن	توجه به حق رأی زنان، سیاست توجه به توانمندسازی و توجه به تفاوت و برتری زنان	سیاست‌گذاری ورود به عرصه‌ی عمومی سیاست‌گذاری برابری، سیاست‌گذاری تفاوت
روشنفکری دینی	تلفیق سنت و مدرنیته، استخراج علمی از شریعت	عبدالکریم سروش، محسن کدیور، مجتهدشستری	ترکیب حوزه‌ی عمومی و خصوصی زنان و وارد کردن زن مسلمان در عرصه‌ی عمومی، الهیات رهایی‌بخش	زنان مسلمان فعال در عرصه‌ی اقتصادی و سیاسی و تلاش برای ایجاد اسلام پیشرو

### چارچوب تئوریک

در پژوهش از مدل چرخه سیستمی استفاده می‌شود. سیاست‌گذاری، علمی است که نقش اصلی حکومت در حل و فصل امور عمومی را بررسی می‌کند (Vahedi & Arvand, 2020: 173). سیاست‌گذاری عمومی به هرآنچه دولت‌ها تصمیم به انجام آن بگیرند یا نگیرند، تعریف شده‌است (ایون یانگ & لیزا کوئین، ۱۳۹۵: 5). براساس تعریف فلیپ برو، سیاست‌گذاری‌های عمومی تجلی اراده‌ی حکومت در عمل یا خودداری از عمل است و آنها را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌هایی ساختاری و مرتبط متشکل از مقاصد، تصمیمات و اعمال که در راستای اقتدار عمومی در

سطوح محلی، ملی و بین‌المللی هستند، در نظر گرفت (وحید، ۱۳۸۳: ۱۶). یکی از نظریه‌های رایج بررسی سیاست‌گذاری عمومی، نظریه سیستمی است. سیستم<sup>۲</sup> مفهومی است که امروزه در امور به‌کار می‌رود و به واژه‌ای در زندگی انسان‌ها تبدیل شده است. تفکر سیستمی<sup>۳</sup> روشی علمی است که در علوم مختلف کاربرد دارد. این روش برای فکر کردن براساس مفهوم سیستم و دیگر مفاهیم مرتبط است که در تمام حوزه‌های عمومی و عام یا علمی و خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد (قراخانی‌بهار، ۱۳۹۷: ۲۶).

سیستم از طریق ارتباطاتی که با محیط خود دارد، در برابر تحریکات برآمده از محیط واکنش نشان می‌دهد (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۰). محیط سیستم مجموعه عناصری است که به درون سیستم تعلق ندارند، اما بر ساختار و نظم ساختاری و قاعده رفتاری آن موثرند و سیستم نیز بر آن تأثیر می‌گذارد (قراخانی‌بهار، ۱۳۹۷: ۱۲۱). سیستم، ورودی‌ها را از محیط می‌گیرد و همچنین خروجی‌ها را به محیط منتقل می‌کند. این روند مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. چرخه سیستمی دارای پنج قسمت است:

جدول ۲. اجزای نظریه سیستمی در سیاست‌گذاری عمومی

اجزای تحلیل سیستمی	تعریف	شاخص‌ها در مقاله
ورودی	فشارهای بیرونی از سوی ذی‌نفعان و منابع، نیروی انسانی و امکانات	گروه‌های ذی‌نفع، احزاب، جنبش‌ها، شهروندان
طراحی سیاست	در فرایند درونی کارگزاران به طراحی سیاست جهت پاسخ به مطالبات می‌پردازند	سیاست‌های سنتی و مدرن اتخاذ شده در نهادها، قانون اساسی، سیاست‌های کلان، شش برنامه توسعه
اقدامات	اجرائیات و سطوح کاربردی اقدامات صورت گرفته برای طراحی سیاست	بودجه، نیروی انسانی، اماکن، اقدامات تشویقی، تنبیهی و...
برون‌داد	گزارش عملکرد	برون‌دادها، خروجی، نتیجه، دستاورد
ارزیابی	نقاط قوت و ضعف	گزارش‌های بی‌طرف و بین‌المللی، نقاط ضعف و قوت

### ۱. مسائل زنان اولویت سیستم در ورودی؛ انعکاسی از خشم و امید

تحولات سیاسی ایران، در زندگی مردم به‌ویژه زنان تغییر ایجاد کرده است (جلایی پور، ۱۳۹۲: ۴۱۴). نتیجه این تحولات نسبت به کشورهای توسعه‌یافته

کندتر بوده اما روند این تغییرات اجتماعی که زنان تلاش بسیاری در به ثمر نشستن آن دارند، به تدریج گسترده تر می شود. مسائل زنان به دلیل اهمیت آن و اینکه زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند که در روایت جمهوری اسلامی تربیت کنندگان نسل های آینده هستند، همواره جزو اولویت های سیستم بوده است. در محیط یعنی فضای خارج از سیستم نیز واکنش هایی نسبت به اولویت های ورودی وجود دارد. واکنش محیط به حرکت نظام سیاسی به دو صورت حمایت یا اعتراض و مطالبه انجام می پذیرد، اگر محیط از نتیجه ی عملکرد سیستم در بازخورد آن راضی باشد، از سیاست درپیش گرفته شده، حمایت می کند و اگر با نتیجه ی بازخورد سیستم موافق نباشد، دست به اعتراض زده و مطالبات جدید خود را مطرح می کند. اگر نظام سیاسی خود را با تحولات محیط که در قالب مطالبات جدید انعکاس می یابد، هماهنگ نکند، فاصله ی بین سیستم و محیط افزایش پیدا می کند و حتی می تواند موجب نابودی نظام سیاسی و انقلاب شود (نقیب زاده، ۱۳۷۹: ۱۶۵).

مشارکت سیاسی زنان در دو سطح بررسی می شود: ۱- سطح توده یعنی مشارکت در انتخابات، احزاب، انجمن ها و تجربه های اجتماعی و ۲- سطح نخبگان یعنی حضور در مجلس، قوه ی مجریه و به دست آوردن مناصب عالی (خلیلی، ۱۳۸۶: ۱۶۷). همواره مطالبات مختلفی در رسانه ها، مراکز پژوهشی، انتخابات و جامعه مدنی مطرح می شود، تا زنان بتوانند خواسته های خود را به درون سیستم وارد کنند. در حوزه ی رسانه ها نخستین بار نشریات زنروز، پیام هاجر و پیام زن این دسته از مطالبات را مطرح کردند (Bayat, 2010: 103).

رشد تکنولوژی اطلاعات، استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی منجر به آگاهی زنان، فعالیت آنان و بیان مطالبات شده است. ماهواره، اینترنت، کامپیوتر و غیره فضایی مجازی ایجاد کرده اند که در آن گفت و گو، تبادل اندیشه، گردهمایی، اعتراض، جمع آوری امضا و همیاری سریع تر، آسان تر و کم هزینه تر ممکن شده است (اسلامی، ۱۳۹۴: ۷۲). هم اکنون هشت حزب زنان در ایران مشغول به فعالیت هستند (رویداد ۲۴، ۱۳۹۷). در احزاب، انجمن ها و تشکل های دیگر



معمولاً کارگروه‌ها یا کمیته‌هایی مختص به زنان وجود دارد. احزاب وابسته به زنان نتوانسته‌اند نقش پررنگی در سیاست ایفا کنند اما مطالبات زنان را همراهی می‌کنند. فعالیت‌های NGOها نیز هر سال افزایش یافته است، به‌نحوی که پیش از سال ۱۳۷۶، تعداد آنها کمتر از ۷۰ و در سال ۱۳۸۴، بیش‌تر از ۴۸۰ بوده است (جلایی پور، ۱۳۹۲: ۴۳۲). در انتخابات، زنان جزو محوری‌ترین مسائل مطرح‌شده در مناظرات و برنامه‌های انتخاباتی هستند. هرچند مطالبات مطرح‌شده زنان، به‌ویژه آنهایی که از طرف طبقه متوسط و فمینیست‌ها مطرح شدند، به‌دلیل تعارض با هسته سخت قدرت نمی‌توانند از فیلتر ورودی عبور کنند. شاید هیچ گروه اجتماعی به‌اندازه طبقه متوسط و به‌ویژه زنان سکولار فوراً و به‌طور فراگیر فشار انقلاب را احساس نکرد (Bayat 2010: 98). چراکه آنها نمی‌توانستند مطالبات خود را از فیلتر ورودی عبور دهند. مراکز پژوهشی در حوزه مسائل زنان نیز با محدودیت‌هایی مواجهند اما پژوهشگران با پررنگ شدن نقش زنان در جامعه بیش‌ازپیش مسائل زنان را موردتوجه قرار می‌دهند. به‌علاوه هم‌اکنون در دانشگاه‌هایی چون علامه طباطبایی، تربیت مدرس، الزهرا و غیره گروه‌های مطالعات زنان تأسیس شده که به تربیت دانش‌پژوهان می‌پردازند. البته سرفصل‌ها غالباً به‌صورت ایدئولوژیک، اسلامی و محافظه‌کارانه ارائه می‌شود.

در چهار دهه‌ی گذشته، زنان همواره جزو ورودی‌های سیستم بوده‌اند اما در اولویت‌بندی مسائل زنان به دلایلی چون فیلتر هسته سخت قدرت، نگاه ایدئولوژیک به مسئله زن، الگومحوری، مردم‌محوری، عدم‌استفاده از زنان در پست‌های مدیریتی و در نتیجه درک‌نکردن شرایط زنان توسط مدیران مرد و عدم‌شایسته‌سالاری با مشکلاتی مواجه بوده‌است. این دلایل باعث شده‌است، مطالبات جامعه زنان نتوانند به درون سیستم وارد شوند و منجر به ایجاد خشم شود. گاه نیز این مطالبات با وجود عواملی چون فشارهای بین‌المللی، سلاقی سیاسی و اعتراضات گسترده در اولویت‌های سیستم قرار می‌گیرد و منجر به ایجاد امید می‌شود. بنابراین مسائل زنان همواره در ورودی سیستم قرار دارد اما با انعکاسی از خشم و با انعکاسی از امید رؤیت می‌شود.

## ۲. طراحی سیاست‌های مسائل زنان؛ از عدالت جنسیتی تا الگوسازی‌های ایدئولوژیک

در طراحی سیاست مسائل زنان در جمهوری اسلامی ایران باید بر سه مؤلفه طراحی یعنی قانون‌اساسی، سیاست‌های کلی نظام و شش قانون برنامه‌های توسعه تأکید بیشتری داشت.

### ۲-۱. قانون اساسی

مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شامل سیزده بخش است که یک بخش آن به زنان اختصاص یافته و این نشان‌دهنده اهمیت این مسئله برای نظام سیاسی تازه تأسیس بوده است. در این بخش با عنوان «زن در قانون اساسی» تأکید می‌شود که زنان به دلیل ستم بیشتری که در نظام طاغوتی متحمل شده‌اند، استیفای حقوق بیشتری نیز خواهند داشت، از طرفی در پاراگراف دوم بر نقش مادری زنان، عدم مصرف‌زدگی، شیء‌شدگی و فعالیت همراه با حفظ نقش مادری تأکید می‌شود (قانون اساسی). در اصل سوم قانون اساسی نیز امکاناتی که دولت باید برای مهیا کردن آن‌ها اقدام کند، بر همه افراد ملت تأکید می‌شود. در ذیل همین اصل و در ماده ۱۴ آن به صراحت ذکر می‌شود: «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» (قانون اساسی، ۱۴). طبق اصل بیست قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» (قانون اساسی، ۲۰). علاوه بر این در اصل بیست و یکم به صراحت مسئله زن در پنج مورد مطرح می‌شود: «۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او؛ ۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزندان؛ و حمایت از کودکان بی‌سرپرست؛ ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده؛ ۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست؛ ۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه‌ی آنها در صورت نبودن ولی شرعی» (قانون اساسی، ۲۱).

در قانون اساسی به‌عنوان یکی از طراحان سیاست، بر حقوق یکسان زن و مرد در امور مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی تأکید می‌شود. این بخش‌ها نگاهی عدالت‌محور بر مسئله جنسیت دارد. نقش مادری و حفظ کیان خانواده بسیار مورد توجه است و بارها تکرار می‌شود. بنابراین قانون اساسی ایران جدالی است میان سنت‌گرایان که بر خانواده و حضور زن در عرصه‌ی خصوصی تأکید دارند و روشنفکران دینی که تلاش می‌کنند با حفظ دین، شاخص‌ها و ظاهر حضور اجتماعی و سیاسی زنان را در کنار مردان ترسیم کنند. این دوگانگی امکان‌هایی را برای سیاست‌گذاری به‌نفع زنان بسته به اینکه چه کسانی طراحی و اجرای سیاست را به دست می‌گیرند، فراهم می‌کند.

## ۲-۲. سیاست‌های کلی نظام

طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی یکی از وظایف رهبر ایران، تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام است (قانون اساسی، ۱۱۰). یکی از مسائلی که به‌ویژه در سال‌های اخیر در تعیین سیاست‌های کلی نظام مورد توجه بوده است، مسائل خانواده و زنان است که شامل تقویت و تحکیم بنیان خانواده براساس الگوهای اسلامی، ترویج و تسهیل ازدواج، تأکید بر نقش مادری، خانه‌داری، حمایت از زنان سرپرست خانوار، سلامت باروری و افزایش فرزندآوری می‌شود (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵). سیاست‌های کلی نظام رویکردهایی اسلامی، انقلابی و سنتی ارائه می‌دهد که بر نقش مادری و خانه‌داری زنان تأکید دارد.

این سیاست‌ها با این اصل آغاز می‌شود: «ایجاد جامعه‌ای خانواده‌محور و تقویت و تحکیم خانواده و کارکردهای اصلی آن برپایه الگوی اسلامی خانواده به‌عنوان مرکز نشو و نما و تربیت اسلامی فرزند و کانون آرامش‌بخش» و با این اصل به پایان می‌رسد: «ایجاد سازوکارهای لازم برای ارتقاء سلامت همه‌جانبه خانواده‌ها به‌ویژه سلامت باروری و افزایش فرزندآوری در جهت برخورداری از جامعه جوان، سالم، پویا و بالنده» (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵).

## ۲-۳. سند برنامه توسعه (اول تا ششم)

تاکنون شش برنامه توسعه نوشته شده است، که در تمامی آن‌ها برنامه‌هایی برای زنان وجود دارد. در نخستین سند پنج‌ساله که برای سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ تدوین شد، چهار محور به زنان اختصاص یافت. «۱-بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه، بخصوص ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم‌التعلیم؛ ۲- مشارکت بیشتر زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئون خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت زن اسلامی؛ ۳-اعتلای موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی، اجتماعی جامعه و خانواده؛ ۴-ارتقای سطح سلامت افراد جامعه و کاهش مرگ‌ومیر مادران و کودکان» (سند برنامه اول توسعه، ۱۳۶۸: 15-23).

در برنامه دوم توسعه نیز مواردی چون توجه به تربیت بدنی و تخصیص امکانات به زنان، مشارکت بیشتر زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئون خانواده و ارزش‌های شخصیت اسلامی زن و همچنین کمک به زنان و کودکان بی‌سرپرست از طریق نظام تأمین اجتماعی و توسعه بیمه‌ی اجتماعی مورد توجه است (سند برنامه دوم توسعه، ۱۳۷۳: 80-82). در برنامه‌ی اول و دوم توسعه، موضوع زنان به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از بحث «کنترل مولید و جمعیت» مورد توجه قرار گرفت و توجه به ورزش و تشویق به مشارکت بیشتر آنان در امور اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان امری فرعی مطرح شد و مشکلات واقعی زنان شناسایی نشده بودند (باقری، ۱۳۹۰: 82).

در سال ۱۳۷۹ برنامه سوم توسعه به تصویب رسید. در این سال مرکز امور مشارکت زنان ریاست‌جمهوری تشکیل شد و به‌همین دلیل علاوه بر مواردی که در دو سند پیشین مطرح شد، بر نقش این مرکز در ماده ۱۵۸ تأکید می‌شود: «مرکز امور مشارکت زنان ریاست‌جمهوری موظف است در جهت زمینه‌سازی برای ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده، ضمن انجام مطالعات لازم با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط اقدامات ذیل را به عمل آورد: الف- با بهره‌گیری از اصول و مبانی اسلامی و با در نظر گرفتن تحولات آینده جامعه، نیازهای

آموزشی و فرهنگی و ورزشی خاص زنان را شناسایی کرده و طرح‌های مناسب را برحسب مورد از طریق دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط تهیه و برای تصویب به مراجع مربوط پیشنهاد کند. ب- طرح‌های لازم برای افزایش فرصت‌های اشتغال زنان و ارتقای شغلی آنان در چارچوب تمهیدات پیش‌بینی شده در این قانون و متضمن اصلاحات ضروری در امور اداری و حقوقی را تهیه و به‌منظور تصویب به هیأت وزیران ارائه کند. ج- با سازماندهی فعالیت‌های مطالعاتی مشترک با دستگاه‌های مسئول در قوه قضائیه، طرح‌های لازم برای تسهیل امور حقوقی و قضائی زنان را تهیه و برحسب مورد از طریق دستگاه‌های مسئول پیگیری کند. د- برای بهره‌گیری از خدمات مختلف اجتماعی زنان در زمینه‌های مالی، حقوقی، مشاوره‌ای، آموزشی و ورزشی، طرح‌های لازم با اولویت قائل شدن برای زنان خودسرپرست و بی‌سرپرست مناطق توسعه‌نیافته یا کمتر توسعه‌یافته و گروه‌های محروم جامعه در زمینه‌ی حمایت از تشکیل سازمان‌های غیردولتی، تهیه و برحسب مورد به دستگاه‌های اجرایی یا دولت منعکس کند تا پس از تصویب از طریق دستگاه‌های ذی‌ربط اجرا شوند» (سند برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۹: ۱۲۱-۱۲۰). این مفاد را می‌توان در قالب ۷ محور کلی امور آموزشی، فرهنگی، ورزشی، اشتغال، امور علمی و پژوهشی، حقوقی، توسعه سازمان‌های غیردولتی تقسیم کرد (گزارش اجرای ماده ۱۵۸، ۱۳۸۳-۱۳۷۹: ۴۰).

برنامه چهارم توسعه ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ رویکرد متفاوت‌تری نسبت به مسئله‌ی زنان دارد. واحدهای مسکونی ارزان‌قیمت برای زنان سرپرست خانوار، تأمین بیمه‌ی خاص برای زنان سرپرست خانوار، تهیه طرح جامع توانمندسازی زنان خودسرپرست و سرپرست خانوار، تصویب طرح جامع توانمندسازی و حمایت از حقوق زنان، تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکلهای اجتماعی در زمینه‌ی صیانت از حقوق کودکان و زنان، گسترش حمایت‌های اجتماعی و برابری فرصت‌ها برای زنان و مردان و توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصت‌های شغلی را شامل می‌شد. در برنامه‌ی چهارم توسعه بارها از واژه‌ی توانمندسازی زنان استفاده شده است که در نوع خود جالب‌توجه است و این برنامه را از سند سال‌های قبل متمایز می‌کند. علاوه بر این در ماده ۱۱۱ به‌صورت اختصاصی به مسائل زنان

پرداخته شده است که در آن می‌توان به مواردی چون توسعه مشارکت زنان، تقویت مهارت‌های زنان، توجه به ترکیب جنسیتی عرضه‌ی نیروی کار، ارتقای کیفیت زندگی زنان، افزایش باورهای عمومی نسبت به شایستگی زنان، تحکیم نهاد خانواده، رفع خشونت علیه زنان و گسترش نهادهای مدنی و تشکل‌های زنان اشاره کرد. آنچه در برنامه سوم توسعه مبتنی بر بی‌طرفی جنسیتی در برنامه‌ریزی موردتوجه سیاست‌گذار بوده، در برنامه چهارم توسعه به سمت حساسیت جنسیتی و سیاست تبعیض مثبت حرکت کرد (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۴۴).

در برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰) علاوه بر ماده ۲۳۰ به توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، توسعه فرهنگ عفاف، حجاب و تحکیم بنیان خانواده از طریق پشتیبانی رده‌های مقاومت بسیج جامعه زنان و تدوین سند ملی امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی تأکید می‌شود. در ماده ۲۳۰ نیز به‌طور اختصاصی به مسئله زنان پرداخته می‌شود: «دولت با همکاری سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله مرکز امور زنان و خانواده با هدف تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه زمینه‌ها با تدوین و تصویب برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی-معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقاء سلامت، توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتقاء توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین‌المللی، تعمیق باورهای دینی و اصلاح ساختار اداری-تشکیلاتی زنان و خانواده اقدام قانونی نماید» (سند برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۹: ۲۵۴).

سند برنامه قانون ششم توسعه نیز که برای سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ تدوین شد، بر مسائلی چون زنان سرپرست خانوار و بیمه زنان خانه‌دار با حداقل سه فرزند می‌پردازد. در ماده ۱۰۱ نیز به‌صورت ویژه مسائل زنان مطرح می‌شود: «کلیه دستگاه‌های اجرائی موظفند به‌منظور تحقق اهداف مندرج در اصول دهم، بیستم و

بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلی خانواده مبنی بر تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آن و نیز به‌منظور بهره‌مندی جامعه از سرمایه‌ی انسانی زنان در فرایند توسعه پایدار و متوازن، با سازماندهی و تقویت جایگاه سازمانی امور زنان و خانواده در دستگاه، نسبت به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی بر مبنای اصول اسلامی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های خود و ارزیابی آثار و تصمیمات بر اساس شاخص‌های ابلاغی ستاد ملی زن و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام نمایند» (سند برنامه ششم توسعه، ۱۳۹۴: ۹۷-۹۸).

سیاست‌های ایران در قسمت طراحی چرخه سیاست‌گذاری امور زنان دوگانگی دارد. این مسئله به رویکردها و گفتمان‌های سیاسی حاکم در مقاطع مختلف بازمی‌گردد. گفتمان‌های سنتی بیشتر بر نقش مادری زنان در تحکیم بنیان خانواده تأکید می‌کنند. این گفتمان از مفاهیم اسلامی، ایجاد الگوسازی‌های ایدئولوژیک و تأکید بر زن مسلمان انقلابی استفاده می‌کند و گاه از نقش زن در جامعه با اولویت قرار دادن نقش مادری حمایت می‌کند. در سال‌هایی نیز گفتمان‌هایی با رویکردهای روشنفکری دینی حاکم بودند که نقش پررنگ‌تری برای توانمندسازی زنان و حضور گسترده‌تر آنان در جامعه قائل شدند. رهبری، قوه مقننه و قانون‌اساسی هر یک نقش مهمی در طراحی سیاست‌ها دارند. سیاست‌های کلان و قانون‌اساسی و در برخی موارد برنامه‌های توسعه بر طراحی سیاست سنتی و شرعی یعنی حفظ بنیان خانواده و حضور زن در حوزه خصوصی تأکید دارند. در طراحی سیاست، اساس؛ حفظ خانواده و همسر بودن و مادری است.

جدول ۳. طراحی سیاست امور زنان در جمهوری اسلامی

طراحی سیاست	مبانی و نهادهای صادرکننده	ماده و اصل‌ها	راهبرد
قانون‌اساسی	ترکیب فقه و روشنفکری دینی	اصل‌های ۱۴، ۲۰ و ۲۱	مشارکت سیاسی- اجتماعی در کنار نقش مادری
سیاست‌های کلی نظام	فقه، ولایت فقیه و رهبری	اصول سیاست‌های کلی نظام در زمینه‌ی زن و خانواده	حفظ بنیان خانواده
برنامه‌های توسعه	تکنوکراتیک، تأکید بر برنامه‌ریزی و مدیریت	ماده ۱۵۸ برنامه سوم توسعه، ماده ۱۱۱ برنامه چهارم توسعه و...	تحت پوشش قرار دادن زنان حذف‌شده در فرایند توسعه

### ۳. اجرائیات؛ تلاش‌های محدود برای جامعه‌ای نامحدود

نهادهای مختلفی در ایران متولی مسائل زنان هستند. معاونت امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری مهم‌ترین ارگان این حوزه محسوب می‌شود. در حالی که دو دهه از انقلاب می‌گذشت و نقش زنان در جامعه بیش‌ازپیش احساس شده بود، در دولت اصلاحات سازمانی تحت‌عنوان «مرکز مشارکت امور زنان» تأسیس شد. این نهاد که سرپرستی آن را زهرا شجاعی برعهده داشت، هم‌راستا با سند چشم‌انداز توسعه حرکت می‌کرد به‌نحوی که اهداف آن شامل مسائل زیر بود:

«۱- تلاش در جهت افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی؛ ۲- تلاش در جهت افزایش نقش و مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های کشور با تأکید بر نقش محوری آنها در خانواده؛ ۳- اصلاح و بهبود کیفی وضعیت زنان در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی؛ ۴- شناخت دقیق از وضع موجود زنان و توسعه مطلوب زندگی آنان؛ ۵- تلاش در جهت تبیین و تحکیم جایگاه زنان در توسعه کشور؛ ۶- تلاش در جهت افزایش سطح آگاهی‌های عمومی زنان» (معاونت پژوهشی مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، ۱۳۸۰: ۲۲۶).

این نهاد به‌طور گسترده‌ای به سیاست‌گذاری در حوزه‌ی زنان می‌پرداخت. ساختار آن نیز براساس اهدافی که در نظر گرفته بود در قالب سه معاونت طرح و برنامه، امور اجتماعی و توسعه مشارکت‌ها و آموزش و پژوهش ایجاد گردید (معاونت پژوهشی مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، ۱۳۸۰: ۲۲۶). با تغییر دولت و ایجاد گفتمانی جدید، در سال ۱۳۸۴ نام این سازمان نیز به «مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری» تغییر یافت و به‌جای واژه‌ی «مشارکت» از واژه‌ی «خانواده» استفاده شد که تاکنون نیز تغییری در آن ایجاد نشده است. این تغییر هم‌راستا با سند چشم‌انداز پنجم در حرکت بود. با روی کار آمدن دولت اعتدال، این نهاد تغییری اساسی یافت و از مرکز به معاونت امور زنان و خانواده‌ی نهاد ریاست جمهوری تبدیل گشت. مقام اجرایی آن نیز از مشاور به معاون رییس‌جمهور ارتقا یافت.



بودجه‌ی این سازمان از ابتدای تشکیل تاکنون با افزایش همراه بوده و بودجه‌ی سال ۱۳۹۹ تنها نهاد اجرایی امور زنان در ایران ۲۵ میلیارد تومان است که هرچند نسبت به سال گذشته ۳۶ درصد افزایش داشته است اما تنها کمتر از یک درصد از کل بودجه‌ی کشور را در اختیار دارد. تا پیش از تأسیس مرکز مشارکت امور زنان، هیچ نهاد مجزایی در رابطه با مسائل زنان وجود نداشت تا از بودجه‌ی مخصوص به خود برخوردار شود. با توجه به اهمیت مسائل زنان، اختصاص این بودجه برای مهم‌ترین متولی امور زنان اندک است.

اقدامات معاونت امور زنان و خانواده نهاد ریاست‌جمهوری، حول محور مسائلی چون آموزش و تحصیل، بهداشت، زنان سرپرست خانوار، انتصاب زنان در سطوح مختلف پست‌های دولتی، حمایت از طرح‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌ها و تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌ی زنان تمرکز یافته است (معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری، ۱۳۸۳-۱۳۷۹: ۲۲۶). این معاونت در زمینه‌ی سازمانی، نیروی انسانی، بودجه و سیاست‌های اجرایی در حد طراحی باقی مانده است.

#### ۴. برون‌داد؛ دوری و نزدیکی به واقعیت

اقدامات انجام‌شده در جمهوری اسلامی ایران را می‌توان براساس چهار حوزه‌ی بهداشت، آموزش، اقتصاد و سیاست تقسیم‌بندی کرد.

۴-۱. بهداشت: در حوزه‌ی بهداشت، سیاست‌های گسترده‌ای انجام شده است. در سال ۱۳۶۳ برنامه اجرایی گسترش شبکه بهداشتی-درمانی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید (وزارت بهداشت و درمان، ۱۳۸۹: ۱۴). این طرح بر ارائه خدمات بهداشتی اولیه تأکید داشت که یکی از موارد مطرح‌شده در آن مادران، کودکان و موضوع تنظیم خانواده بود (قاراخانی، ۱۳۹۲: ۲۲۱). در دهه شصت طرح‌هایی در جهت کاهش جمعیت و تنظیم خانواده ارائه شد که با آموزش به زنان از طریق مراکز بهداشت و تبلیغات از طریق رسانه‌ها، صداوسیما و بیلبردهای خیابانی انجام شد که تا حدود زیادی موفقیت‌آمیز بود. در قانون برنامه دوم توسعه سیاست‌هایی در جهت افزایش سلامت جامعه مطرح شد. یکی از

موارد، درمان و ارائه خدمات فعال در زمینه‌های بهداشت مادر، کودک و بهداشت باروری است (قاراخانی، ۱۳۹۲: ۲۲۶). تعداد مراکز بهداشت در سرتاسر روستاها و شهرها افزایش یافت. این مراکز با انجام واکسیناسیون‌های گسترده، آموزش به زنان و مادران، ارائه خدمات به مادران در حین بارداری و پس‌از آن، توانستند در کاهش نرخ مرگ‌ومیر ناشی از زایمان در مادران و نوزادان نقش بسزایی ایفا کنند. از اقدامات دیگر نظام سلامت می‌توان بر ارتقای جایگاه زنان در سلامت و آموزش پزشکی اشاره کرد که منجر به افزایش تعداد دانشجویان، پزشکان، متخصصان و گروه‌های مختلف پزشکی زنان در جامعه شده است (مروری بر دستاوردهای انقلاب اسلامی در عرصه نظام سلامت، ۱۳۹۲).

۴-۲. آموزش: پیش از انقلاب، بیرون خانه برای بخش از زنان، به‌ویژه بخش مذهبی، محیط ناامنی محسوب می‌شد، همین امر یکی از موانع رشد زنان در عرصه عمومی بود (جلایی‌پور، ۱۳۹۲: ۴۱۷). در حوزه آموزش و به‌ویژه آموزش عالی، با وقوع انقلاب که فضایی امن را در میان خانواده‌ها تداعی می‌کرد، زنان به تحصیلات دانشگاهی روی آوردند. تحصیلات عالی باعث آگاهی و پیشرفت زنان شد، ظرفیت‌های آنان را تحقق بخشید و آنها را تشویق کرد، نقش فعال‌تری در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایفا کنند (Rostami-Povey & Povey, 2013). طی دو دهه اخیر در نرخ سواد زنان پیشرفت چشمگیری حاصل شده؛ به‌طوری‌که نرخ باسوادی زنان ۱۵ تا ۲۴ سال، از ۶۷/۱ در سال ۱۳۷۰ به ۹۸/۹ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است (گزارش وضعیت زنان و خانواده، ۱۳۹۵-۱۳۹۰: ۶۲). ورود زنان به دانشگاه‌ها به‌عنوان دانشجو و عضو هیات علمی رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. براساس داده‌های آماری، طی بیست سال گذشته درصد حضور دانشجویان دختر در ساختار آموزش عالی دوبرابر شده است (گزارش وضعیت زنان و خانواده، ۱۳۹۵-۱۳۹۰: ۷۰). طبق آمار اخذشده از تمامی رشته‌های دانشگاهی، مراکز آموزش عالی و دانشگاه آزاد اسلامی حضور زنان در آموزش عالی حدوداً دوبرابر شده است.

جدول ۴. منبع: گزارش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۲) به نقل از معاونت امور زنان و خانواده

ریاست‌جمهوری

ردیف	سال تحصیلی	درصد دانشجویان دختر
۱	۱۳۹۰-۱۳۹۱	۴۹,۳۸
۲	۱۳۹۱-۱۳۹۲	۴۸,۱۵
۳	۱۳۹۲-۱۳۹۳	۴۶,۹۱

تعداد اعضای هیات علمی زن دانشگاه‌ها نیز در سال ۱۳۹۵، ۲۸/۲۴ درصد از است که ۳۴ درصد اعضای هیات علمی علوم پزشکی و ۳۶ درصد اعضای هیات علمی سایر رشته‌ها هستند (گزارش وضعیت زنان و خانواده، ۱۳۹۵-۱۳۹۰: ۷۹).

۳-۴. اقتصاد: زنان پس از انقلاب بر فعالیت‌های اقتصادی افزوده و تلاش کرده‌اند تا از امکان استقلال مالی استفاده کنند اما هنوز هم جمعیت فعال اقتصادی و شاغلان زن اندک است. بنابراین دستاورد قابل توجه زنان در آموزش و پرورش لزوماً منجر به اشتغال‌زایی در رشته‌هایی که آموزش دیده بودند، نشد درحالی‌که آموزش عالی ذهن زنان را باز می‌کرد اما بازار را برای ورود آنها باز نکرده بود (Haeri, 2013: 1055). پیش از انقلاب از جمعیت ۳۶ میلیون نفری ایران، تنها ۷ درصد از زنان، نیروی کار را تشکیل می‌دادند (جلایی پور، ۱۳۹۲: ۲۰). طبق آمار در سال ۱۳۹۵، تنها ۱۴/۹ درصد از زنان فعال اقتصادی و ۱۱/۸ درصد شاغل محسوب می‌شوند (طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). هرچند این آمار افزایش دسترسی زنان به مشاغل را نشان می‌دهد، اما این حضور اغلب در عرصه‌های خرد اقتصادی خانوار است و نشان‌دهنده‌ی فعالیت‌های گسترده اقتصادی نیست. اقداماتی که بتواند زنان را به‌عنوان نیمی از جمعیت، وارد چرخه‌ی اقتصاد کشور کند، محدود است. از سوی دیگر، سیاست‌های اقتصادی در دهه ۱۹۹۰ همچنان باقی مانده بودند و منجر به افزایش اشتغال نمی‌شدند چراکه بسیاری از سیاست‌ها مانند حمایت از تولید یک خودروی پرمصرف، ادامه حمایت از صنایعی بود که منافع اشتغال زنان را به‌همراه ندارد، اشتغال در صنایع اشتغال‌زا که زنان را به کار می‌گیرد، از جمله تولید پارچه، فرآوری مواد غذایی و تولید چرم و کفش کاهش یافته‌است (Bahramitash & Esfahani, 2011: 82-81).

۴-۵. سیاست: در حوزه‌ی ریاست‌جمهوری، هیچ زنی به‌عنوان رئیس‌جمهور در

ایران انتخاب نشده است، اما از دوره هفتم انتخابات ریاست جمهوری (به جز دوره هشتم) زنانی در انتخابات ثبت نام کرده اند. تعداد زنان داوطلب در دوره هفتم ۱۱ نفر، در دوره نهم ۹۳ نفر، در دوره دهم ۴۳ نفر، در دوره یازدهم ۳۰ نفر و در دوره دوازدهم ۱۳۷ نفر بوده است (گزارش وضعیت زنان و خانواده، ۱۳۹۵-۱۳۹۰: ۱۴۷). این مسئله به صورت نمادین و تنها در مرحله نخست ثبت نام انجام می شود و تاکنون هیچ زن ایرانی نتوانسته است کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری شود. در حوزه مدیریت در قوه مجریه، در جدول زیر تعداد زنانی که از سال ۱۳۷۵ در حوزه اجرایی و بالای مدیریتی حضور داشته اند، بررسی شده است.

جدول ۵. منبع: معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری

سمت	دولت پنجم	دولت ششم	دولت هفتم	دولت هشتم	دولت نهم	دولت دهم	دولت یازدهم
مشاور رئیس جمهور	۱	۱	۳	۳	۲	۱	-
معاون رئیس جمهور	-	-	۱	۱	۱	۳	۴
وزیر	-	-	-	-	-	۱	-
سفیر	-	-	-	-	-	-	۱
روسای سازمان ها، نهادها و مرکز	-	-	-	-	-	۱	۸
معاونین وزرا و هم تران	-	-	-	-	-	۲	۱۰

در انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز از انتخابات نخست در سال ۱۳۵۸ تا انتخابات اخیر در سال ۱۳۹۴ تعداد نامزدهای انتخاباتی افزایش یافته است. این روند در بین متخبین با افزایش بسیار محدودی همراه بوده است. مشارکت زنان طی ده دوره ی مجلس به شرح زیر است:

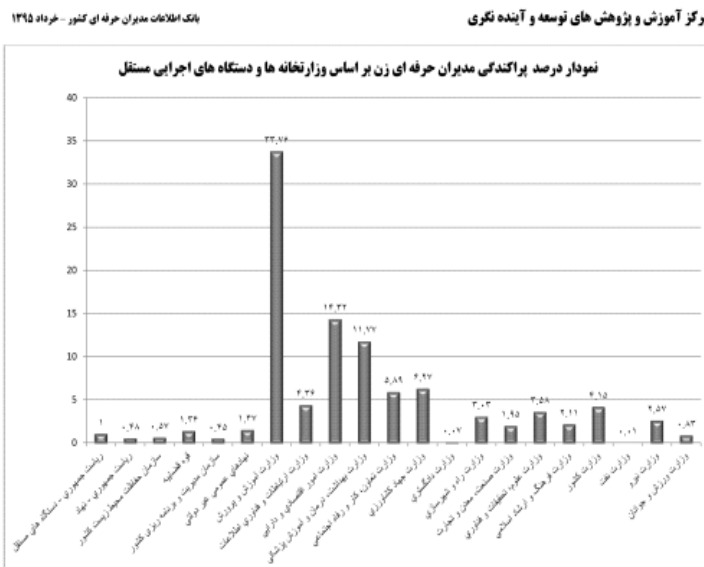
جدول ۶. منبع: مرکز آمار ایران به نقل از معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری

دوره	تاریخ برگزاری	تعداد داوطلبین زن	تعداد متخبین زن کشور
۱	۵۸/۱۲/۲۴	۶۶	۲
۲	۶۳/۱/۲۶	۲۸	۴
۳	۶۷/۱/۱۹	۳۷	۳
۴	۷۱/۱/۲۱	۸۱	۹
۵	۷۴/۱۲/۱۸	۳۲۰	۱۰
۶	۷۸/۱۱/۲۹	۵۱۳	۱۱
۷	۸۲/۱۲/۱	۸۲۸	۱۲
۸	۸۶/۱۲/۲۴	۶۱۱	۸
۹	۹۰/۱۲/۱۲	۲۴۹	۹
۱۰	۹۴/۱۲/۷	۱۲۳۴	۱۷
جمع		۳۹۶۷	۸۵

سهم زنان در مجلس در دوره‌های اول تا نهم کمتر از ۱ درصد تا ۴٫۲۵ درصد در نوسان بوده است (گزارش وضعیت زنان و خانواده، ۱۳۹۵-۱۳۹۰: ۱۴۹). در سطوح مدیریتی دیگر چون فرمانداران و معاونان فرماندار زنان کمتر از ۱٪ از پست‌های فرمانداری کل کشور را به خود اختصاص داده‌اند و در بخش‌داری‌های کل کشور سهم زنان از ۱۰۵۸ منصب بخش‌داری، فقط ۲۴ بخش‌دار است؛ یعنی حدود ۲٫۲۶٪ از کل پست‌های مدیریت در این حوزه به زنان تعلق دارد (گزارش وضعیت زنان و خانواده، ۱۳۹۵-۱۳۹۰: ۱۵۴). در سطوح مدیریتی در سطح وزارتخانه‌ها نیز بیشترین آمار حضور زنان در وزارت آموزش و پرورش، وزارت اقتصاد و امور دارایی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مشاهده می‌شود. که نشان‌دهنده افزایش حضور زنان در بخش‌های بهداشت و آموزش و افزایش نسبی حضور در سطوح مدیریتی اقتصادی است.

نمودار ۱. بانک اطلاعات مدیران حرفه‌ای کشور (۱۳۹۵) به نقل از معاونت امور زنان و خانواده

ریاست جمهوری



در حوزه بهداشت و آموزش اقدامات دولت نزدیک به واقعیت و نیازهای زنان در جامعه بوده است. اقدامات که منجر به کاهش نرخ مرگومیر در نوزادان و مادران هنگام زایمان شده و در حوزه آموزش با تقاضای گسترده زنان و ایجاد امکانات برای حضور آنان، نرخ سواد و ورود زنان ایرانی به دانشگاه افزایش یافت. در حوزه اقتصاد نیز گاه از واقعیت دور شده و گاه به آن نزدیک بوده‌ایم، اما هنوز اقدامات گسترده‌ای برای حضور زنان در مسائل اقتصادی و تجاری صورت نگرفته و نرخ مشارکت آنان در اقتصاد، بسیار پایین است. در سیاست اما دورترین تفسیر از مشارکت سیاسی آنان وجود دارد به طوری که در بخش‌های سیاسی زنان حضور ندارند.

### ۵. نتیجه‌گیری؛ نگاهی از بیرون بر چرخه سیاست‌گذاری امور زنان

چرخه سیاست‌گذاری امور زنان در جمهوری اسلامی ایران، از بخش طراحی تا برون‌داد با آسیب‌هایی مواجه است. هرچند مسائل زنان همواره اولویت‌های سیستم بوده است اما مطالبات مطرح‌شده توسط زنان ایرانی غالباً در چرخه‌ی سیاست‌گذاری نادیده انگاشته می‌شوند. این چرخه با انعطاف و تأثیرپذیری اندک از افکار عمومی زنان استمرار یافته است. توجه به مسائلی چون افزایش سطح بهداشت و آموزش و به‌خدمت‌گرفتن زنان در این بخش‌ها درخور توجه بوده است. در اغلب کشورها زنان در بخش‌های خاصی از ادارات دولتی چون بهداشت و آموزش متمرکز شده‌اند (Johnston, 2019: 156). گزارش‌های بین‌المللی با تمرکز بر مسائلی چون شکاف جنسیتی یا حضور زنان در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی نگرشی منفی نسبت به وضعیت زنان ایرانی در نظام بین‌الملل ایجاد کرده است.

در شاخص‌های مربوط به شکاف جنسیتی، برابری جنسیتی و وضعیت زنان در ایران آمارها مطلوبی ارائه نمی‌شود. در حوزه‌ی سیاسی مجمع جهانی اقتصاد، در گزارش سال ۲۰۱۹ خود، وضعیت زنان در کشورهای مختلف جهان را براساس شاخص‌هایی سنجیده است. ایران در برابری سیاسی میان مردان و زنان، امتیاز ۵ را کسب کرده که حتی در مقایسه با کشورهای منطقه چون عراق با امتیاز ۲۲، بسیار

پایین است (Information, 2013). در بخش رئیس دولت، صفر عددی است که در جلوی نام ایران قرار گرفته، در شاخص‌های سیاسی دیگر چون هیات دولت و قانون‌گذار ملی ایران تنها ۶٪ از زنان استفاده کرده و در قوه مقننه این آمار به پایین‌ترین حد خود یعنی ۳٪ می‌رسد، بهترین آمار در بخش کاندیداتوری زنان در انتخابات است که تنها ۹٪ را نشان می‌دهد (Information, 2013). خانه‌ی آزادی بخشی از گزارش‌های هر سال خود را به زنان اختصاص می‌دهد. در گزارش مربوط به سال ۲۰۱۹ این نهاد در رابطه با برابری در قوانین، سیاست‌ها و رویه‌ها امتیاز یک از چهار به ایران اختصاص داده شده است (freedomhouse, 2019).

در چرخه‌ی سیاست‌گذاری امور زنان در ایران، در هر مرحله با نگرش‌های ایدئولوژیک و غالباً غیرقابل‌انعطاف مواجهیم که کاهش گستره‌ی فیلتر در ورودی سیستم و عدم تکرار سیاست‌های شکست‌خورده‌ی امور زنان را با مشکل مواجه می‌کند. توجه به زنانی که به ایدئولوژی حاکم نزدیک‌ترند و نادیده انگاشتن سایر زنان در مراحل پنج‌گانه‌ی چرخه‌ی سیاست‌گذاری، از مهم‌ترین آسیب‌های ورودی سیستم است. در بخش ورودی اولویت‌های اغلب زنان که متناسب با مسائل روز و وضعیت زیستی بدن آنان است، نمی‌تواند به درون سیستم وارد شود و در صورت ورود به مرحله‌ی اجرا نمی‌رسد یا در مرحله‌ی طراحی، در قالب‌های خاصی مجوز اجرا پیدا می‌کند. در اغلب مراحل پنج‌گانه‌ی چرخه‌ی سیاست‌گذاری، زنان قدرت تصمیم‌گیری ندارند یا اگر در مناصب سیاسی حضور دارند، به حضوری نمادین ختم می‌شود. این حضور محدود باعث قانون‌گذاری و طراحی تصمیماتی مردم‌محور می‌شود که نیمی از جمعیت را نادیده می‌گیرند و منجر به اجرای قوانینی می‌شوند که ذاتاً متعلق به زنان نیستند.

تنها نهاد اجرایی امور زنان نیز به دلیل عدم تمرکز نهاد زنان و خانواده ریاست‌جمهوری و تغییرات مکرر آن در هر دوره‌ی گفتمانی، قابلیت ایجاد و اجرای طرح‌های کمک‌کننده به عدالت جنسیتی و کاهش شکاف‌های جنسیتی را پیدا نمی‌کند و با روی کارآمدن روسای جدید، دچار تغییرات بنیادین می‌شود. هر چند طرح‌هایی در همین زمینه انجام می‌شوند اما در جهت افزایش توانمندسازی

زنان، کافی نیست. بخشی از این مسئله همان‌طور که در اجرائیات بررسی شد، نشأت‌گرفته از بودجه‌ی اندک این نهاد است. در این میان برخی نهادها چون شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای حجاب و عفاف و... در حیطه‌ی مسائل زنان اقدامات اجرایی گسترده‌ای انجام می‌دهند. این نهادها که به هسته‌ی سخت قدرت نزدیک‌تر هستند، بودجه‌ی مشخصی در رابطه با مسائل زنان در اختیار ندارند و غالباً به‌صورت موازی فعالیت می‌کنند و مسائل تمام زنان جامعه را مورد هدف قرار نمی‌دهند. در صورتی که زنان طبقات مختلف شهری، زنان روستایی، زنان شاغل، دانشجویان، محصلان، خانه‌داران و... هرکدام نگاه ویژه‌ای را می‌طلبند. از طرف دیگر، نه تنها در قانون اساسی بلکه در برنامه‌های مختلف توسعه یا سیاست‌های کلی نظام کمتر از متخصصان مسائل زنان که پژوهش‌های مختلفی در این حوزه انجام داده‌اند، استفاده می‌شود. استفاده از تجربیات سایر کشورها نیز می‌تواند شاخص‌های عدالت جنسیتی را افزایش دهد. به‌عنوان مثال آفریقای جنوبی و بوتسوانا کشورهایی هستند که از نظر نمایندگی کلی به برابری در مواضع رهبری نزدیک می‌شوند و این در آفریقای جنوبی عمدتاً نشأت‌گرفته از سیاست‌های اقدام مثبت و در بوتسوانا ناشی از سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و مدیریت عمومی است (Johnston, 2019: 155).

#### جدول ۷. چرخه‌ی سیاست‌گذاری امور زنان

زنان اولویت سیستم در ورودی، وجود مطالبات متکثر برای ورود به سیستم، فیلتر ورودی و ورود مطالباتی که نزدیک به هسته‌ی سخت قدرت هستند	ورودی
طراحی سیاست‌های زنان عمدتاً بر مبنای محور قرار دادن نقش مادری، خانه‌داری و زن مسلمان انقلابی است. در سال‌هایی نیز با روی کار آمدن گفت‌وگو روستفکری دینی مباحثی چون توانمندسازی زنان و عدالت جنسیتی مطرح می‌شود	طراحی سیاست
بودجه اندک، پرداختن به مسائلی محدود از حوزه‌ی زنان و عدم تمرکز بر مطالبات تمامی زنان جامعه توسعه بهداشت، افزایش سطح سواد و آموزش عالی در میان زنان ایرانی و توجه اندک به حضور گسترده‌ی زنان در اقتصاد و سیاست	اجرای سیاست برون‌داد
عدم توجه به آمارهای بین‌المللی و استمرار چرخه‌ی سیاست‌گذاری امور زنان بر مبنای الگوهای سابق استفاده از اندیشه زنان در مراحل پنج‌گانه‌ی چرخه‌ی سیاست‌گذاری، توجه به زنان طبقات مختلف، تأکید بر توانمندسازی زنان و توجه بیشتر به پژوهش‌ها و پژوهشکده‌های مسائل زنان	ارزیابی راهکارها



## منابع و مأخذ

- احمدی، مینا (۱۳۸۴)، پیامدهای معاهدات بین‌المللی در ایران، بخش پایانی: تحول در امور بنیادین، فصلنامه کتاب زنان، ش ۳۰.
- اسلامی، روح‌الله (۱۳۹۳)، رهایی یا انقیاد؛ فلسفه سیاسی تکنولوژی اطلاعات در قرن بیستم، تهران: انتشارات تیسرا.
- باقری، شهلا (۱۳۹۰)، ارزیابی برنامه پنجم توسعه و راهبردهایی برای بهبود فرایند نظام‌سازی در حوزه زنان و خانواده، مرکز پژوهش‌های مجلس اسلامی.
- بهرنگ، امید (۱۳۹۰)، کمونیسیم و مساله زنان، جهت‌گیری‌های نوین، کتاب الکترونیکی، قابل دسترس در:  
<https://cpimlm.org/%d8%b2%d9%86%d8%a7%d9%86?>
- جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۹۲)، جامعه‌شناسی ایران: جامعه کژ مدرن. تهران: نشر علم.
- جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۸۲)، زن در آینه جلال و جمال. قم: مرکز نشر اسرا.
- خلیلی، محسن (۱۳۸۶)، آسیب‌شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران، پژوهش زنان، شماره ۲.
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۵، شهریور)، ابلاغ سیاست‌های کلی خانواده: بازیابی از <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=34254>.
- رویداد ۲۴ (اردیبهشت، ۱۳۹۷)، فعالیت حزبی بانوان؛ احزاب زنان در ایران چه می‌کنند؟ بی‌تاثیر یا واقعی، بازیابی از: <https://www.rouydad24.ir>.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۶)، قبض و بسط تئوریک شریعت: نظریه تکامل معرفت دینی، تهران: نشر صراط.
- صادقی، فاطمه (۱۳۹۲)، جنسیت، ناسیونالیسم و تجدد در ایران (دوره پهلوی اول)، تهران: نشر قصیده‌سرا.
- قاراخانی، معصومه (۱۳۹۱)، دولت و سیاست در ایران (سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸)، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۱.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (بدون تاریخ)، تهران: نشر دوران.
- قانون برنامه اول توسعه (۱۳۶۸)، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، بازیابی از <https://quizman.ir>.

قانون برنامه پنجم توسعه (۱۳۸۹)، قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، بازیابی از <https://quizman.ir/>

قانون برنامه دوم توسعه (۱۳۷۳)، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، بازیابی از <https://quizman.ir/>

قانون برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹)، قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، تهران: سازمان برنامه و بودجه.

قانون برنامه ششم توسعه (۱۳۹۴)، قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، بازیابی از <https://quizman.ir/>

قراخانی بهار، اکبر (۱۳۹۷)، سیستم و تفکر سیستمی: نظریه و عمل بنیادی، تهران: نشر نی.

کدیور، محسن (۱۳۹۲)، مسئله حجاب زنان، سایت رسمی محسن کدیور.

گزارش اجرای ماده ۱۵۸ قانون برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹)، تهران: مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری.

گزارش سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۵)، طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران.

گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی (۱۳۹۲)، مروری بر دستاوردهای انقلاب اسلامی در عرصه نظام سلامت.

گزارش معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری (۱۳۹۵-۱۳۹۰)، وضعیت زنان و خانواده در آینه آمار.

مجید، وحید (۱۳۸۸)، سیاست گذاری عمومی، تهران: نشر میزان.

مطهری، مرتضی (۱۳۵۳)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ.

معاونت برنامه ریزی و هماهنگی / حوزه فعالیت {بدون تاریخ}، معاونت امور زنان و خانواده، بازیابی از: <http://women.gov.ir/page/customlist/234#categories>.

معاونت پژوهشی مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری (۱۳۸۰)، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۱.

نجم آبادی، افسانه (۱۳۹۶) زنان سیبیلو و مردان بی ریش: نگرانی های جنسیتی در مدرنیته ایرانی، تهران: انتشارات تپسا.

نقیب زاده، احمد (۱۳۷۹) درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی، تهران: انتشارات سمت.

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (۱۳۸۹). گزارش عملکرد سی ساله وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، اداره کل روابط عمومی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

یانگ، ایون؛ کوئین، لیزا (۱۳۹۵)، راهنمای نگارش گزارش های راهبردی در حوزه سیاست گذاری عمومی برای مشاوره دهندگان سیاسی در اروپای مرکزی و شرقی، ترجمه مهدی ساعتچی و امید صالحی، تهران: مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری.

Arvand, A., & Vahed, M. (۲۰۱۶) The Role of Information Systems in

- Decision-making and Public Policy Making. *Management and Accounting Studies*. ۲۱۱-۲۰۹, (۲)۴,
- Bahramitash, R., & Salehi, E. (۲۰۱۱) *Veiled Employment: Islamism and the Political Economy of Women's Employment in Iran*. New York: Syracuse University Press.
- Bayat, A. (۲۰۱۰) *Life as politics, How ordinary people change the Middle East*. Amsterdam: Amsterdam university press.
- Cfr. (۲۰۱۹) *Women's Power Index* از بازیبی <https://www.cfr.org/article/womens-power-index?gclid=EAIaIQobChMIyuXXp8Pg5wIVBtVtKCh1vBwUiEAAYAS>.
- freedomhous. (۲۰۱۹) *freedom in world 2019* از بازیبی [iran-:https://freedomhouse.org/report/freedom-world/2019/iran](https://freedomhouse.org/report/freedom-world/2019/iran).
- Haeri, S. (۲۰۱۳) *No end in sight: politics, paradox, and gender policies in Iran*. *Boston university law review*. ۱۰۶۲-۱۰۴۹, ۹۳,
- Johnston, K. (۲۰۱۹) *Women in public policy and public administration?* *Public money and management*. ۱۶-۱۵۵, (۳)۳۹,
- Moghissi, H. (۱۹۹۶) *Populism and Feminism in Iran: Women's Struggle in a Male-Defined Revolutionary Movement*. Uk: Palgrave Macmillan.
- Osanloo, A. (۲۰۰۹) *The Politics of Women's Rights in Iran*. New Jersey: Princeton University Press.
- Povey, T., & Rostami, E. (۲۰۱۲) *Women, Power and Politics in 21st Century Iran*. New York: Ashgate Publishing.

## References

- Ahmadi, Mina (2005), Consequences of International Treaties in Iran, Final Section: Transformation in Fundamental Affairs, Women's Book Quarterly, Vol. 30. (In Persian).
- Bagheri, Shahla (2011), Evaluation of the Fifth Development Plan and Strategies for Improving the Systematization Process in the Field of Women and Family, Islamic Consultative Assembly Research Center. (In Persian).
- Behrang, Omid (2011), Communism and the Women's Issue, New Orientations, available at: <https://cpimlm.org/%d8%b2%d9%86% d8 %a7%d9%86 ?> (In Persian).
- Constitution of the Islamic Republic of Iran (without date), Tehran: Doran Publishing. (In Persian).
- Deputy of Planning and Coordination / Area of Activity {Undated}, Deputy of Women and Family Affairs, retrieved from: <http://women.gov.ir/page/customlist/234#categories>. (In Persian).
- Eslami, Ruhollah (2014), Liberation or Subjugation; Political Philosophy of Information Technology in the Twentieth Century, Tehran: Tisa Publications. (In Persian).
- Event 24 (May, 1397), Women's Party Activities; What are women's parties doing in Iran? / Ineffective or real, retrieved from: <https://www.rouydad24.ir>. (In Persian).
- Fifth Development Plan Law (2010), Fifth Economic, Social and Cultural Development Plan Law of the Islamic Republic of Iran, retrieved from <https://quizman.ir/>. (In Persian).
- First Development Plan Law (1989), First Economic, Social and Cultural Development Plan Law of the Islamic Republic of Iran, retrieved from

- <https://quizman.ir>. (In Persian).
- Gharakhani Bahar, Akbar (1397), System and Systemic Thinking: Fundamental Theory and Practice, Tehran: Ney Publishing. (In Persian).
- Jalaeipour, Hamidreza (2013), Sociology of Iran: A Modern Distorted Society. Tehran: Alam Publishing. (In Persian).
- Javadi Amoli, Abdullah (2003), Woman in the Mirror of Glory and Beauty. Qom: Esra Publishing Center. (In Persian).
- Kadivar, Mohsen (2013), The issue of women's hijab, Mohsen Kadivar official site. (In Persian).
- Khalili, Mohsen (2007), Pathology of Women's Participation in Contemporary Iranian Society, Women's Research, No. 2. (In Persian).
- Law of the Second Development Plan (1373), Law of the Second Plan of Economic, Social and Cultural Development of the Islamic Republic of Iran, retrieved from <https://quizman.ir/>. (In Persian).
- Law of the Third Development Plan (2000), Law of the Third Economic, Social and Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran (2000-2004), Tehran: Program and Budget Organization. (In Persian).
- Majid, Vahid (2009), Public Policy, Tehran: Mizan Publishing. (In Persian).
- Ministry of Health, Treatment and Medical Education (1389). Annual performance report of the Ministry of Health, Treatment and Medical Education, General Department of Public Relations of the Ministry of Health, Treatment and Medical Education. (In Persian).
- Motahari, Morteza (1353), The system of women's rights in Islam, Tehran: Farhang Publishing Office. (In Persian).
- Najmabadi, Afsaneh (2017) Women of Sibyl and Men of Bearish: Gender Concerns in Iranian Modernity, Tehran: Tisa Publications. (In Persian).
- Naqibzadeh, Ahmad (2000) An Introduction to Political Sociology, Tehran: Samat Publications. (In Persian).
- Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei (September 2016), Communication of General Family Policies: Retrieved from <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=34254>. (In Persian).
- Qarakhani, Masoumeh (2012), Government and Politics in Iran (1981-2009), Social Sciences Quarterly, No. 61. (In Persian).
- Report of the Center for Public Relations and Information (2013), a review of the achievements of the Islamic Revolution in the field of health system.

(In Persian).

- Report of the Country Planning and Budget Organization (2016), Labor Force Survey of the Statistics Center of Iran. (In Persian).
- Report of the Vice President for Women and Family Affairs (2016-2017), The situation of women and the family in the mirror of statistics. (In Persian).
- Sadeghi, Fatemeh (2013), Gender, Nationalism and Modernity in Iran (First Pahlavi Period), Tehran: Ode Publishing. (In Persian).
- Sixth Development Plan Law (2015), Sixth Economic, Social and Cultural Development Plan Law of the Islamic Republic of Iran, retrieved from <https://quizman.ir/>. (In Persian).
- Soroush, Abdolkarim (2007), Theoretical Development of Sharia: Theory of Evolution of Religious Knowledge, Tehran: Sarat Publishing. (In Persian).
- Vice President for Research, Center for Women Participation, Presidential Office (2001), Quarterly Journal of Women Research, No. 1. (In Persian).
- Young, Eun; Quinn, Lisa (2016), A Guide to Writing Strategic Public Policy Reports for Political Advisers in Central and Eastern Europe, translated by Mehdi Saatchi and Omid Salehi, Tehran: Center for Presidential Strategic Studies. (In Persian).